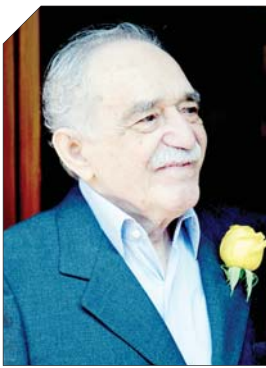
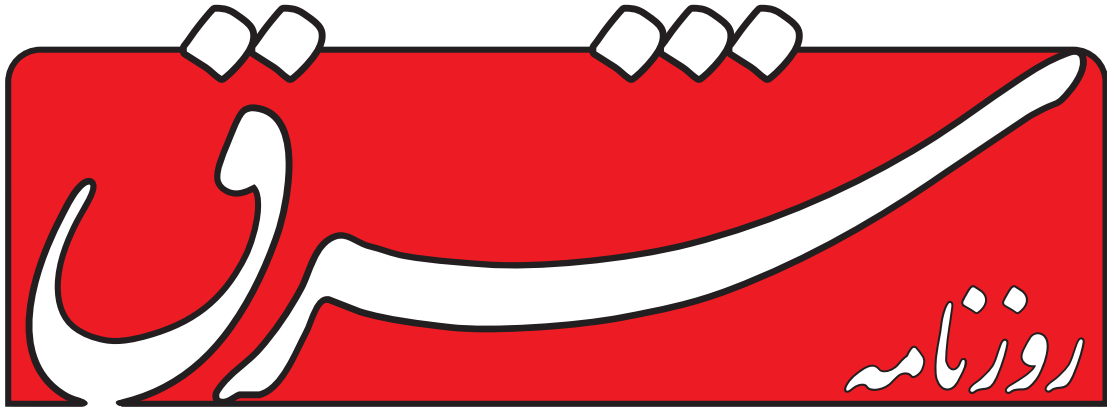


مجموعه مواضع، اقدامات و تصمیمات کشورهای اروپایی در روزهای اخیر بعد از نشست بغداد ۲ نوعی تشتت را در قبال ایران و برنامه هسته‌ای نشان می‌دهد. از یک سو، مجدداً جوهر بولر تأکید دارد که برجام جایگزین ندارد.

صفحه ۳



شکل‌های زندگی: چهل سال پس از نوبل مارکز

نسل‌های محکوم
به صد سال تنهایی

مارکز می‌گوید یک بار چیزی مانع از راحت نوشتنش شده و با کمی دقت به اطرافش درمی‌یابد که همسرش فراموش کرده کل رز در گلدان روی میزش بگذارد. مارکز می‌گوید کل رز همیشگی‌ام را خواستم، آوردند و دوباره همه چیز خوب شد. اینکه کل رز در گلدان روی میز مارکز گذارده شود یا نشود قاعدتاً نمی‌بایست تأثیری در نوشتن مارکز بگذارد...

صفحه ۱۱

در «شرق» امروز می‌خوانید: طرحی که به همه مشکوک است، دیوان عالی کشور: حکم اعدام محمد قبادلو تأیید شد و یادداشت‌هایی از محمود فاضلی، ناصر ذاکری، لطفعلی بخشی

سرمقاله

«چگونه می‌اندیشیم؟»

مسئله جهالت و تاریک‌ترین زندان



کیومرث اشتریان

روان‌شاد دکتر حسین عظیمی از قبول اینشتین می‌گوید: «مسائل و مشکلاتی که حاصل یک نحوه اندیشه و کارند را نمی‌توان با همان اندیشه و کار، حل‌وفصل کرد».

ما در زندگی سیاسی خود اخبار را به درون طبقه‌بندی جناحی، حزبی یا فرقه‌ای خود می‌بریم و آن را طبقه‌بندی می‌کنیم. از همان جا «معضل جهالت» آغاز می‌شود. یعنی اطلاعات را به خدمت «دانش خودی» درمی‌آوریم. پژوهشگران نسبت به چنین صافی‌های ذهنی توصیه‌هایی دارند و افراد را از گرفتار شدن در چنین «دام‌های شناختی» برحذر می‌دارند. بر اثر تکرار و تکرار و تکرار نوعی «خرد تصنعی» پدید می‌آید و دیگر حتی فرایند تبدیل داده به اطلاعات و سپس تبدیل آن به دانش طی نمی‌شود. از همان ابتدا یک خرد خودی غرورآمیز و جاهلانه دنیای ما را تاریک می‌کند... و به تعبیر «ایوان اولبراخ»، تاریک‌ترین زندان شکل می‌گیرد. در سیاست، این چارچوب‌های متصلب ذهنی راه را بر همه چیز می‌بندد. نظریه سیستم‌ها از مؤلفه‌هایی همچون ورودی، خروجی، بازخورد، جعبه سیاه و... در یک سیستم خبر می‌دهد. در چنین رویکردی، از یک سیستم، تنها «جعبه سیاهش» می‌ماند... و دیگر هیچ.

امسان از روزی که یک گروه یا یک سازمان گرفتار «مسئله جهالت» و رژیم شناختی ناشی از آن شود. چنین «رژیم شناختی» خط تولید جهالت به راه می‌اندازد و خود را در چرخه‌ای بسته بازتولید می‌کند. در سطح کلان، مسئله جهالت، سرمایه انسانی - را به کلی از چرخه تصمیم‌گیری کنار می‌گذارد یا آن را نابود می‌کند. چون نظام انگیزشی و آموزشی را به دامان افسوس و افسردگی می‌کشاند. البته پیش از هر چیز خود سیستم را دچار فلج فکری می‌کند. «مسائل و مشکلاتی که حاصل یک نحوه اندیشه و کارند را نمی‌توان با همان اندیشه و کار، حل‌وفصل کرد». چه می‌توان کرد؟ ... هیچ.

جهالت، بی‌سوادی نیست؛ بلکه یک «رژیم شناختی» است. «رژیم شناختی» یعنی مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهای از پیش تعیین‌شده که «شناخت» ما را متصلب می‌کند. همه ما، از بی‌سواد و کم‌سواد و تحصیل‌کرده ممکن است گرفتار «مسئله جهالت» شویم. حماقت، گاهی تدریجی است. یک نمود مهم در «مسئله جهالت» به این قرار است: «خبری» را که می‌شنوید از صافی از پیش ساخته جناحی-سیاسی گذر می‌دهید و آن را براساس گرایش‌های خود تفسیر می‌کنید. در چنین حالتی ذهن شما هیچ چیز جدیدی یاد نمی‌گیرد. هر موضوعی را که به درون هاضمه فکری شما بیاید، در راستای تمایلات پیشین تغییر جهت می‌دهد. اگر هم نتوانید تغییرش دهید آن را «پس» می‌زنید و هاضمه گوارشی شما آن را «بیرون می‌ریزد»؛ یک روان‌شناس در پاسخ به این پرسش که «چرا هر محبتی که در حق برخی بیماران روانی می‌کنیم بی‌اثر است؟» می‌گوید روان آدمی مانند یک ظرف است، آن‌گاه که پر شود، دیگر هیچ چیزی، نه خشونت و نه محبت را بر نمی‌تابد و همه را «پس می‌زند»؛ نگران نباشید مشکل از محبت شما نیست؛ مشکل از آن ظرف است که پر شده و دیگر جا ندارد. مسئله جهالت نیز می‌تواند چنین باشد. یک سیستم «روانی-معنایی» است که در گذار زمان روان را پر می‌کند و اندک‌اندک «برساخته» و فربه می‌شود.

جهالت گاه با هراس نیز درمی‌آمیزد و عقل انسان را ورطه تاریکی فرومی‌برد. روان‌شناسی هراس به ما می‌آموزد که در روان انسان ترسو، خطرات کوچک بزرگ جلوه داده می‌شود؛ قدرت مقایسه از انسان سلب می‌شود و انسان هرچه بیشتر به خطا می‌افتد. هدف جنگ‌های روانی دقیقاً همین است و با هدف ترساندن و ایجاد هراس دنبال می‌شود تا رقیبان را به اشتباه بیندازند. جاهل می‌هراسد و می‌ترساند. به همین‌سان از اندیشیدن می‌هراسد. از این‌رو به لطایف‌الحیل و گاه شاید ناخواسته، سعی می‌کند که دیگران را نیز از اندیشیدن بهراساند. مثلاً اینکه شما تغییر رفتار را، نه به رخدادها و نابسامانی‌ها و ناکارآمدی‌ها، بلکه به نیروهای موهوم فرازمینی احاله دهید. این، در بطن خود ترس از اندیشیدن و هراس از به‌کارگیری عقل خدادادی را در بر دارد؛ یعنی در برابر هر فعالیت عقلی از این نگرانی که مبادا این فکر و اندیشه من ناشی از وسوسه فرازمینیان باشد. عقل به‌تدریج و به‌کلی زایل می‌شود و سرنوشت خود را به دیگری می‌سپارید. یکی از روش‌های نفوذ همین است شما را می‌ترسانند و در دستگاه فکری شما نفوذ می‌کنند. ترساندن نوعی فریبکاری است. در واقع هراسی که در شما ایجاد می‌شود تبدیل به بند بردگی شما به دیگری می‌شود. ترس و بیداری، بهراس و فرمان‌بر، از دیگران ترس و به من گوش کن. چنین روان‌پیشانی، نیروهای مرموز را در شکل‌گیری ایده‌ها و گرایش‌ها پیش از عقل خدادادی تأثیرگذار می‌نمایاند. افراط در این رویکرد در بطن خود نوعی بدبینی به هستی و خدا را حمل می‌کند. کوبی همه مخلوقات ارضی و سماوی خداوند در پی فریب شما هستند. اندیشه، بیش از آنکه نعمتی الهی باشد، دامی شیطنی است. در این سیستم، گفت و نگفت یکی است. هر اندرزی بی‌تأثیر شده و راه امر به معروف و نهی از منکر بسته می‌شود. هر سیستم اداری یا سازمانی ممکن است به چنین سرنوشتی گرفتار آید.

صفحه ۵

نگاهی به رفتار تازه آلمانی‌ها درباره با توقف صدور تضامین سرمایه‌گذاری در ایران

شیمیایی اقتصادی

آلمانی‌ها با اقدام تازه خود که نوعی تحریم مضاعف است، بخش‌های صنعتی ایران را نشانه رفته‌اند

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



پروسی طرحی در مجلس درباره پیگیری حقوقی و قضائی
اخبار کذب که سخنگوی کمیسیون قضائی از آن اعلام بی‌خبری کرد

صیانت از خبرنگاران؟

صفحه ۸

مروری بر رخدادهای جهان در سال ۲۰۲۲ از نگاه عکاسان

سال سختی که گذشت

پاسخ به یک گزارش

اموال تملیکی ۱۰ هزار کانتینر
را واگذار نکرده است

سرنوشت مبهم دیگر دختر سرشناس تکواندو

ناهید کیانی

در مسیر کیمیا علیزاده؟



نگاهی به حکم صادره برای سعید مدنی
و جایگاه او در حوزه پژوهش و جامعه‌شناسی

چاره‌جویی در زندان

مدنی در زمان بازداشتش محل مشورت ضابطان
برای کنترل خشونت قرار گرفته است

صفحه ۱۰

یادداشت

لایحه‌ای در غیاب روزنامه‌نگاران



کامبیز نوروزی
حقوق دان

وزیر ارشاد از تدوین لایحه روزنامه‌نگاری در دولت خبر داده و گفته است این لایحه تا پایان دی‌ماه به مجلس تقدیم خواهد شد. تجربه نشان داده است معمولاً هرگاه دولت‌ها برای رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران مقرراتی را تدوین و تصویب می‌کنند، بیش از آنکه به تثبیت و توسعه آزادی و امنیت و استقلال روزنامه‌نگاری و فعالیت رسانه‌ای بیندیشند، برای ایجاد محدودیت بیشتر و کنترل این حرفه تلاش کرده‌اند. در دولت گذشته نیز اقداماتی برای تدوین لایحه نظام روزنامه‌نگاری و رسانه صورت گرفت که به دلیل مغایرت‌های فراوان آن با حقوق و آزادی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران، با مخالفت گسترده اهل حرفه و حقوق‌دانان روبه‌رو شد و عملاً متوقف ماند. هنوز متن لایحه و جزئیات آن منتشر نشده است. احتمالاً دولت مایل نیست تا پیش از تقدیم لایحه به مجلس، خبری از جزئیات متن منتشر کند تا با واکنش‌های تخصصی روزنامه‌نگاران، حقوق‌دانان و متخصصان ارتباطات مواجه نشود. می‌شود گمان کرد که برآورد دولت این است که این لایحه به مذاق روزنامه‌نگاران خوش نیاید و آن را مورد انتقادات گسترده قرار دهند؛ وگرنه دلیلی برای پنهان نگه‌داشتن این متن وجود ندارد؛ به‌ویژه اینکه گروه ذی‌نفع، یعنی روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها، باید بدانند قرار است برای آنها چه تصمیماتی گرفته شود. عدم انتشار طرح پیش از تقدیم به مجلس را می‌توان به علاقه‌نداشتن به مشارکت‌دادن روزنامه‌نگاران، متخصصان ارتباطات و متخصصان حقوق رسانه در تدوین مقررات مربوط به این حرفه نیز تلقی کرد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

این توقع بیجا نیست؟



محمد مهاجری

این روزها بعضی صاحبان منابر و تریبون‌ها معتزضانه می‌پرسند چرا چهره‌های سیاسی و منتقد درباره حوادث دو، سه ماه اخیر سکوت کرده‌اند یا این و آن را محکوم نمی‌کنند یا به دفاع از فلان سازمان و بهمان دستگاه نمی‌پردازند؟ مخاطب این گویندگان فقط چهره‌های اصلاح‌طلب نیستند، بلکه گاه مرادشان چهره‌های معتدل اصولگرا نیز هست. به زعم این افراد، هرگاه از نظر آنها لازم باشد، باید عده‌ای وارد میدان شوند و با مرگ بر این و درود بر آن، تکلیف خودشان را روشن کنند! مشابه این درخواست به‌طور مشخص از سال ۱۳۸۸ شروع شد و محمل آن نیز موضوع تقلب در انتخابات بود. انتظار این جماعت آن بود که در برابر مردمان تقلب در انتخابات، بسیج گسترده‌ای شکل بگیرد و بر صحت انتخابات مهر تأیید بزنند. حال آنکه این اقدام، حرکت از پله دوم نردبان بود. در آن زمان بخشی از چهره‌های سیاسی معتقد بودند، پیش‌نیازهایی وجود داشته که برآورده نشده؛ از جمله بداخلاقی‌ها، تهمت‌ها و دروغ‌هایی از سوی یکی از نامزدهای انتخابات و تیم تبلیغاتی‌اش به دیگران زده شده و هیچ اقدامی برای رفع سوءتفاهم‌ها صورت نگرفته است. افرادی که مورد هجوم بهتان‌های گسترده قرار گرفته بودند، انتظار داشتند با خاطیان برخورد قانونی صورت گیرد و اعاده حیثیت انجام شود که حتی پس از انتخابات هم این اتفاق نیفتاد.

ادامه در صفحه ۵

Advertisement for the 40th anniversary of the martyrdom of Fatima Zahra. It features a green and white design with text in Persian and Arabic. The main text reads: 'مراسم تشییع پیکرهای مطهر ۴۰ شهید والامقام گمنام در تهران و استان‌های سراسر کشور'. It also mentions 'مراسم وداع' and 'دوشنبه ۵ دی ماه، از نماز مغرب و عشاء موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس'. At the bottom, it says 'سه شنبه ۶ دی ماه، ساعت ۸ صبح، از مقابل دانشگاه تهران'. There are logos of various organizations at the bottom.